

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

ضمیمه ۷۲۴

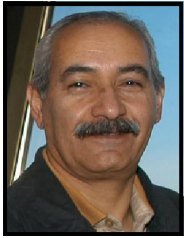
ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel: 0046720077654

۴ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۲۴ آوریل ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

## میزگرد ایسکرا با محمد آسگران، نسان نودینیان، ناصر اصغری و عبدال گلپریان در مورد روز جهانی کارگر



این میزگرد ماه آوریل ۲۰۱۴ در چهار شماره ایسکرا نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران منتشر شده است. برای دسترسی علاقمندان به کل مباحث این میزگرد، هر چهار قسمت آنرا بعنوان ضمیمه شماره ۷۲۴ ایسکرا یکجا منتشر کرده ایم. ایسکرا

میکرد. آن طرح استراتژیک رژیم هم این بود که برای مقابله با خطر اساسی یعنی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی لازم بود که جناح رقیب خود را کنترل شده به بازی بگیرند. به دنبال این تحولات جناح حاکم رژیم به کسی رضایت دادند که نه مستقیم از جناح رقیب باشد و نه میتوانست فرد شاخص و مورد نظر خامنه ای و سپاه باشد. این سیاست در واقع يك عقب نشینی نیم کلاج بود که يك آخوند شهاد و امنیت به اسم روحانی را به راس قوه مجریه راند. اما مردم معترض متوجه شدند که میتوانند کل این دستگاه جنایت را به عقب نشینی وادار کنند.

بنابر این با يك مشاهده ای ساده هر کسی متوجه این حقیقت میشود که از دو سال قبل تا کنون جنبش کارگری با اعتراضات و اعتصابات خود قدم به قدم جلو آمده است. یکی از نموده های دیگر این پیشروی و تعادل قوای جدید، طومار چهل هزار امضا و اقدامات بعدی آن بود که جنبش کارگری توانست قدمهای مهمی را به جلو بردارد. طرح خواست دو میلیون حداقل دستمزد از جانب جنبش کارگری ایران فاکتور مهم دیگری بود که امروز صدای این طبقه را راسر از همیشه کرده است.

جنبشهای اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری بعد از سرکوبهای سال ۸۸ توانستند چنان فضایی را ایجاد کنند که جمهوری اسلامی و بویژه جناح حاکم آن ناچار شد که تاکتیکش را تغییر بدهد.

در سال ۹۲ اگر خامنه ای و وزارت اطلاعات به کسی مانند روحانی رضایت دادند و نتوانستند کاندید مورد نظر خود (جلیلی) را از صندوق بیرون بیاورند، به دلیل قدرت جناح رفسنجانی و یا حمایت دوم خردادیها و اصلاح طلبان از روحانی نبود. بلکه ترس و نگرانی جمهوری اسلامی از شورشیهای خیابانی و جنبشهایی اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری بود که کل رژیم و سیستم حاکم را به چالش میطلبید. این جدال دائمی اما آشکار و پنهان با رژیم اسلامی تعادل قوایی جدیدی را فراهم کرده بود. در دل چنین تعادل قوای عقب نشینی جناح سپاه و خامنه ای به يك اجبار تبدیل شده بود. اما این عقب نشینی نباید طوری مهندسی میشود که به معنی شکست قطعی آنها ترجمه شود.

بنابر این از نظر سپاه و خامنه ای این عقب نشینی که گوشه ای از آن "سیاست و طرح حل مسئله هسته ای و مذاکره با آمریکا" بود، باید به يك امر مهم و استراتژیک خدمت

بدهند. و... همزمان با این تحولات جنبش کارگری هم ضرباتی متحمل شد، تعداد قابل توجهی از فعالینش هنوز در زندان هستند و تعداد زیادی از آنها درگیر پرونده سازیهای وزارت اطلاعات هستند. تعداد قابل توجهی از فعالین این جنبش در مراکز کارگری دستگیر و زندانی شدند و... اما با این حال این جنبش از چنان کیفیت و کمیتی برخوردار بود که در دل همین فضای امنیتی هم قدم به قدم جلو آمده است. در دل این فضا تنها جنبشی که آرام اما محکم راه خود را ادامه داد جنبش کارگری بود. ابعاد اعتراض و مبارزات خود را از لحاظ کمی و کیفی ارتقا داد. همین حرکت ادامه دار و امیدوار کننده باعث شد که دیگر جنبشهای اجتماعی هم بعد از چند سال بتوانند دوباره کمر راست کنند و حرکت خود را آگاهانه تر و با تجربه بیشتری تجدید سازمان نمایند. در کنار این تحولات اجتماعی، بحران سیاسی و تورم و بحران اقتصادی در جمهوری اسلامی در سال آخر حکومت احمدی نژاد کل سیستم اقتصادی را با خطر فروپاشی مواجه کرده بود.

جنبشهای اعتراضی قدم به قدم خود را باز سازی کردند. تاثیرات این تحول و ابعاد اعتراض و نارضايتی

تاکتیک مناسب را در دستور قرار بدهیم. اگر این فاکتورها مهم است که هست، پس باید بدانیم جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش امروز در مقایسه با سالهای قبل شکننده تر است و به همین اعتبار جنبش کارگری میتواند با اعتماد بنفس بیشتری دست به اقدامات کارسازی بزند. با این مقدمه اجازه بدهید وارد بررسی این فاکتورها بشویم.

واقعیت این است که بعد از سرکوب حرکت توده ای سال ۸۸ و کهریزی کردن آن، هزاران فعال سیاسی و اجتماعی و کارگری ناچار به ترك ایران شدند و یا احتیاط و گوشه گیری را در پیش گرفتند. جنبشهای اجتماعی جوانان، زنان دفاع از حقوق کودکان و اعتراضات توده ای تا حدود زیادی دچار رکود و سکون شدند. تشکلهای آن. جی. او. ها یکی بعد از دیگری منحل و یا تعطیل شدند و یا به دلیل فضای امنیتی و سرکوب، بسیاری از آنها از دایره فعالیتی که میکردند خارج و دچار رکود شدند. بسیاری از رهبران و چهره های شناخته شده این جنبشها احتیاط و کنار ایستادن را پیشه کردند. طیف وسیعی از روشنفکران و هنرمندان معترض ناچار شدند يك قدم عقب نشسته و نوع و روش فعالیتشان را تغییر

**ایسکرا:** عزیزان با تشکر از شرکت شما که در این میزگرد شرکت کردید. سوال اول را از محمد آسگران شروع می کنیم. تقریباً يك ماه به روز جهانی کارگر باقی مانده است. شما شرایط و اوضاع کنونی امروز جامعه برای برگزاری روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان را چگونه تحلیل می کنید، چه فاکتورهایی می تواند در برگزاری يك اول مه قدرتمند و باشکوه موثر باشد؟ آیا اساساً امکان برآورده شدن چنین توقعی متفاوت از سالهای گذشته وجود دارد؟

**محمد آسگران:** برای هر اقدام مبارزاتی از جمله اول مه تشخیص تعادل قوای طبقاتی مولفه مهمی برای هر فعال کارگری است. تشخیص درست تعادل قوا کمک میکند که نوع و شکل و ابعاد حرکت خود را تعیین کنیم. تحلیل و ارزیابی درست از اوضاع سیاسی و تعادل نیروهای حاضر در صحنه کمک میکند که هم دشمن و تاکتیکهایش را بشناسیم و هم اتخاذ

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

این جنبش تعادل قوا را تغییر داده است. میدان فعالیت دیگر جنبشهای اجتماعی را بیش از پیش فراهم کرده است. زندانیان سیاسی امروز بیش از هر دوره ای صدایشان به گوش جامعه جهانی میرسد. روشنفکران و هنرمندان و تمام اقشار ناراضی در متن چنین تحول و تعادل قوایی امروز میتوانند صدایشان را رساتر از پیش به گوش جامعه برسانند. این فاکتورها از یک طرف و افشای زدبیهایی میلیاردری سران حکومت از طرف دیگر کل جمهوری اسلامی را بیش از پیش بی اعتبار و نامشروع کرده است. در دل چنین تعادل قوایی امسال به استقبال اول مه میرویم.

با این حال جمهوری اسلامی با افزایش ۲۵ درصد دستمزد میخواهد زندگی چند برابر زیر خط فقر را به جامعه کارگری ایران تحمیل کند. خود رژیم اعلام کرده است که نرخ تورم چهل درصد است. با در نظر گرفتن همه این فاکتورها اول مه امسال میتواند روز زورآزمایی مهم و تعیین کننده ای برای جنبش کارگری باشد. جنبش کارگری نمیتواند و نباید این زورگویی آشکار را بپذیرد.

**ایسکرا:** بنظر شما تشکلهای کارگری موجود در عرصه مبارزات و اعتراضات کارگری چه نقشی را در مورد روز جهانی کارگر می توانند از خود بنمایش بگذارند و جنبش کارگری از این تشکلهای فعالین کارگری چه انتظاری خواهند داشت؟

**فنان نودینیان:** برای جواب روشن به این سوال و دخالت جنبشهای اجتماعی به روز جهانی کارگر میپردازم. روز جهانی کارگر اعتراض و کیفرخواست کارگران و مزدبگیران جامعه به نظام سرمایه داری و استثمار و نابرابری طبقاتی است. این روز اعتصاب یک مرکز یا کارخانه معین نیست. مارش و اعتراض توده میلیونی کارگران است که آرمان و آرزو و خواستههای این طبقه و کارکنان جامعه و مردم را نمایندگی میکنند. در ماه مارس امسال (۲۰۱۴) بخشهای وسیعی از کارگران و کارکنان بخش خدمات عمومی در آلمان وارد اعتصابات مداومی شدند. این اعتصاب بزرگترین اعتصابات این چند سال

گذشته بود. اتحادیه «وردی» بزرگترین اتحادیه کارگران خدمات و حمل و نقل سازمانده و حمایت کننده این اعتصابات بود. بخشهای دیگر از تشکلهای کارگری و احزاب نیز با این اعتصاب همراه شدند. اول ماه مه به نظر من در این قالب و این نوع حمایتها قابل تعریف است. در ایران مراسم و مارش اول ماه مه سنتی آشنا است. با انقلاب ۵۷ به صحنه سیاسی. اجتماعی جامعه وارد شد. و بعنوان روز اعلام کیفرخواست کارگران و کارکنان جامعه شناخته شده است. و همزمان روز جهانی زن و روز جهانی کودک نیز به این مراسمها افزوده شد.

این سه جنبش و فعالین این جنبشها با تجاری که ما در شهرها در ایران و شهرهای کردستان داریم دامن در ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با هم بوده و بر روند بالا بردن کیفیت مراسمها در روز جهانی کارگر، روز جهانی زن (هشت مارس) و فستیوال کودکان تاثیر گذاشته اند. این هم سرنوشتی محصول دوره ای معین از تحولات سیاسی. طبقاتی در ایران است. محصول انقلاب و اعتراض کارگران و کارکنان جامعه است. تجارب شخصی من و چیزی که من حداقل در چند سال گذشته دیده ام این را ثابت کرده که اعتراض کارگر در بهبود زندگی، حرمت و کرامت انسانی سایر اقشار اجتماعی تاثیر گذار و تعیین کننده است. طبقه کارگر در ایران سیاسی است. خودآگاهی او و آشنایی اش به منافع سیاسی، مطالبات و هم سرنوشتی اش با جنبشهای اجتماعی حاصل این وضعیت است. حمایت و همبستگی با مرزبندی ایدئولوژیک و سازمانی قابل تعریف نیست. اعتراض کارگر در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی مرزهای این نوع "سکت" سازمانی را درهم شکسته است. ما هم اکنون تعدادی از سخنگویان و فعالین کارگری را داریم که در جنبشهای اجتماعی زنان و کودکان، معلمان و دانشجویان، و در جنبشهای توده ای شخصیتهای شناخته شده، با اتوریته و قابل اتکایی هستند. مرزی بعنوان "تقدس" کارگر نزد اینها وجود ندارد.

**ایسکرا:** در فرهنگ و ادبیات جریانهای نیروهای سیاسی بنام چپ اینگونه القا شده است که روز جهانی

کارگر گویا ویژه طبقه کارگر است و آنگونه که باید و شاید نقش آنچنانی را برای تشکلهای و فعالین جنبشهای اجتماعی در این رابطه قایل نیستند. با این حساب آیا جنبشهای اجتماعی دیگر و فعالین این عرصه ها نباید در این روز در کنار کارگران باشند؟ پاسخ شما به این گونه مواضع چیست؟

**ناصر اصغری:** این "گج فهمی" ناشی از درکی از "مبارزه طبقاتی" است که من به آن کاریکاتور مبارزه طبقاتی می گویم. در این درک کارگر صنفی است مثل دیگر صنوف که روزی به نام آنها جشن گرفته می شود، حق و حقوقی دارند که مال صنف خودشان است. مشکل شان ربطی به بخشهای دیگر جامعه ندارد و مشکل دیگران هم به آنها بی ربط است. در این تصویر از "مبارزه طبقاتی" کارگر و سرمایه دار در کارخانه های بزرگ و سر به فلک کشیده با هم روبرو می شوند و بر سر دستمزد، تشکل، ایمنی محیط کار و امثالهم مبارزه می کنند. در این تصویر رایج در بین این "چپ" اپیدمی اعتیاد در جامعه مسئله کارگر نیست! بیحقوقی زن، تحمیل مذهبی، راسیسم علیه کارگران و پناهندگان افغانستانی، تبعیض آشکار، قانونی و علنی دولتی بر علیه همجنسگرایان، اقلیتهای مذهبی و قومی، مثله شدن کودکان در عراق و فلسطین مسئله اش نیست.

گفتم که این کاریکاتوری از مبارزه طبقاتی بیش نیست؛ برای اینکه عکس سه کلمه "کارگر"، "سرمایه دار" و "مبارزه" را کنار هم می کشد و بطور سوزکتیو (ذهنی) هم مبارزه کارگر با سرمایه دار همین است. اما بطور اَبُکتیو (عینی) چنین نیست! سرمایه دار با هزار و یک رشته بعضا نامرئی بر کارگر و جامعه حکومت می کند. با کلیسا و مساجدش، با مدارس و دانشگاههایش، با رادیو و تلویزیونش و غیره. کارگر با سرمایه دار هم در همان هزار و یک رشته درگیر مبارزه است. در بسیاری از مواقع حتی از این جنگ و مبارزه اطلاع دقیقی هم ندارد. وقتی که خبر دروغی از مثالی بی سی می شنود و بعد از دو فحش و ناسزا کانال تلویزیونش را عوض می کند،

این يك نوع اعتراض است. کارگری که نمی گذارد همسر رفیقش از بی دارویی جان بدهد، با فقر درگیر است و در نتیجه با جامعه سرمایه داری می جنگد. کارگری که در اعتراض معتادان شرکت می کند، بند اسارتبار جامعه را به چالش کشیده است. کارگری که بر علیه خفقان و سانسور، بر علیه حجاب اجباری و سربازگیری اجباری و غیره مقاومت و مبارزه می کند قوانین اسارتبار جامعه طبقاتی را به چالش کشیده است.

می خواهم بگویم که مبارزه کارگر با سرمایه دار روزانه است و خودش را در تبعیضهای رایج در آن مملکت، در جنگ و گریز بر علیه بیحقوق کردن بیشتر و بیشتر زنان در جامعه، در اعتراض روزمره به تحمیل مذهبی، در سلاح اعدام و مخالفت با آن، در سانسور و ممیزی، در جنگ و گریز بر سر قوانین حاکم در جامعه و غیره نشان می دهد. اگر با مبارزه متحدانه فشار بر زن کمتر بشود، زندگی کارگر قابل تحملتر می گردد. اگر تحمیل مذهبی کمتر بشود، زندگی کارگر بهتر می شود. اگر تبعیض از جامعه رخت بر بندد، کارگران متحدتر می شوند و زندگی شان قابل تحملتر می شود. و برعکس آن هم درست است. اگر کارگر با مبارزه اش افزایش دستمزدی به کارفرما و دولت کارفرماها تحمیل کند، کل جامعه نفع می برد. اگر با مبارزه اش سیاست بیکارسازی را عقب بزند، کل جامع منتفع می شود.

حال برگردیم به سؤال شما، به نظر من با توضیحاتی که بالا داده شد، هم فعالین کارگری و هم فعالین عرصه های دیگر جنبشهای اعتراضی در جامعه، دوش به دوش هم اول ماه مه را جشن می گیرند. طبقه کارگر، بعنوان يك طبقه، در روز اول ماه مه بعنوان رهبر جامعه و مطالبه کننده مطالبات کل جامعه جلوی کل صف معترض در آن جامعه جلو می آید و در این مبارزه کل فعالین عرصه های دیگر مبارزه و جنبشهای اعتراضی دیگر را با خودشان دارند. همچنانکه در جشن آدم برفی ها، در روز ۸ مارس، روز جهانی زن و غیره، فعالین جنبش کارگری دوش بدوش فعالین جنبش زنان، فعالین حقوق کودک و غیره هستند و متحدانه و دوش بدوش هم

علیه وضعیت موجود اعتراض می کنند.

اما خورشید زندگی آن "چپ" مورد اشاره شما در دنیای سیاست دارد غروب می کند. این "چپ" و این نوع "مبارزه طبقاتی" مورد نظر آن، "چپ" مائویست و استالینی و کلا چپ پوپولیست است که در ایران متعلق به نسل گذشته است. نسل جوان چنین تلقی و تصویری از مبارزه طبقاتی ندارد. در آینده نه چندان دور بازماندگان این تلقی از "مبارزه طبقاتی" بازنشسته خواهند شد و دیگر من و شما هم درباره آن وقت تلف نخواهیم گفت.

**ایسکرا:** شما موانع جدی و اساسی برای برگزاری این روز را در چه چیزی توضیح می دهید و از هم اکنون چه اقداماتی را می توان برای برطرف کردن این موانع در دستور گذاشت که روز جهانی کارگر آنگونه که شایسته است برگزار شود؟

**عبدل گلبریان:** بنظر من اولین مانع ضدیت حکومت و نهادهایش در کردستان و در سراسر ایران در مقابل روز جهانی کارگر است. هر سال ما شاهد قلدرمنشی دم و دستگاه رژیم در بر خورد به روز جهانی کارگر و دیگر مراسمها و مناسبتهای دیگر بوده ایم. اما در مقابل این سد و مانع، فعالین و تشکلهای کارگری تمام تلاش خود را بکار گرفته اند که روز جهانی کارگر و پرچم خواست و مطالبات کل جامعه را بلند کنند. برای بلند کردن صدای حق خواهی خود و هم طبقه هایشان از سوی نهادهای سرکوب رژیم مورد اذیت و آزار هم قرار گرفته اند. علیرغم اینها من فکر میکنم اگر موانعی در صفوف خود کارگران، تشکلهای و فعالین کارگری یا فعالین عرصه های مختلف اجتماعی برای حمایت از روز جهانی کارگر وجود داشته باشد این است که باید خود را از دایره و محدوده تشکل خود، گرایش سیاسی و فکری خود، و هر آنچه که تشکلهای و فعالین کارگری را در چهارچوب فکری و نظری دست و بالشان را می بندد خارج سازند.

به باور من اگر تشکلهای و فعالین کارگری مراسمهای روز جهانی کارگر را بدور از هرگونه تعصب

فکری، تشکلی و یا کارخانه‌ای نگاه کنند و با انعطاف بر سر طرح مطالبات و خواستها و همچنین بر سر چگونگی برگزاری آن از زاویه منافع جنبش کارگری در این روز نگاه کنند، تردیدی نباید داشت که می‌توان حتی موانع ایجاد شده توسط رژیم و نهادهایش را نیز در هم شکست و اول مه قدرتمند، توده‌ای و اجتماعی بزرگی را برگزار کرد. فعالین و تشکلهای کارگری همانگونه که برای جمع‌آوری امضای طومار چهل هزار نفری کارگران ظاهر می‌شوند، بمراتب برای برگزاری روز جهانی کارگر نیز می‌توانند در این اشل و قدرتمند تر ظاهر شوند. برای برگزاری يك اول مه قدرتمند در نظر گرفتن منافع جنبش کارگری علی‌العموم از سوی تشکلهای و فعالین کارگری فاکتور مهمی در عرض اندام جنبش کارگری علیه وضع موجود است.

در پاسخ به بخش دوم سوال باید بگویم که تشکلهای و فعالین کارگری و همچنین فعالین رادیکال عرصه‌های مختلف اجتماعی نظیر فعالین عرصه جنبش برابری طلبانه زنان و مردان، جوانان، دانشجویان و غیره که این روز را روز خود می‌دانند می‌توانند از هم اکنون تلاش کنند که يك فضای عمومی از روز جهانی کارگر و خواستها و مطالباتش را در سطح جامعه و در میان مردم ایجاد کنند.

از بحث و گفتگو در جمعها و محافل مختلف گرفته تا ارتباط و هماهنگی با هم برای امر سازماندهی، تا طرح خواست و مطالبات در بیانیه و قطعنامه‌ها، پر کردن سطح شهر و محلات و مراکز و محلهای کار و زندگی از شعار و هر آنچه که به این روز مربوط است، از آن دسته از اقداماتی است که می‌توان انجام داد.

از تلاش چندین تشکل کارگری و حمایت تشکلهای و فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی برای فشار آوردن به نهادهای رژیم مبنی بر اینکه نباید مانع از برگزاری روز جهانی کارگر شوند تا بکارگیری ابتکارات دیگر همچون برگزاری این مراسمها در سالنها و با شرکت صدها هزاران نفر در مراکز شهرها آن دست از اقداماتی است که از هم اکنون می‌توان در دستور گذاشت و

برایش کار کرد. تلاش برای شرکت دادن توده‌های وسیعی از کارگران، خانواده‌های کارگری و مردم یکی دیگر از اقدامات فعالین برای شرکت دادن سازماندهی شده در این روز است. شرایط و اوضاع امروز در شهرهای کردستان و در سراسر کشور و فضای اعتراضی مردم نسبت به فقر و فلاکت موجود نسبت به گذشته بمراتب بیشتر است. این فضا و این موقعیت را باید شناخت و روز جهانی کارگر را تعرضی تر از هر دوره‌ای علیه فقر و فلاکت تحمیل شده توسط حکومت برگزار کرد.

## بخش دوم

**ایسکرا:** خواست افزایش دستمزدها و مسئله گرانی از مطالبات محوری کارگران است. علاوه بر این، چه مطالبات دیگری را شما تأکید می‌کنید که باید در بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها گنجانده شود؟

**ناصر اصغری:** تا آنجا که به مطالبات خود کارگران برمی‌گردد، افزایش دستمزدها و گرانی مهمترین مطالباتی هستند که قدرت بسیج توده‌ها را وسیعتری از جامعه و کارگران را دارند. اما یادمان باشد که همه مسائل در این جامعه مستقیماً بر زندگی و موقعیت کارگران تأثیر می‌گذارد. خود مسئله بیمه، تشکل، ایمنی محیط کار از جمله مسائل مهم جلوی پای کارگران هستند که مطرح کردن مسائل محیط کار کارگران بدون مطرح کردن این موارد ناقص خواهند ماند.

اما در کنار اینها خشونت بر علیه زنان، تحمیل مذهب در مدارس، خشونت سیستماتیک هم در قوانین و هم در خانواده و جامعه بر علیه کودکان و مسئله کودکان کار، موضوعات مهم دیگری هستند که کارگران بعنوان صاحبان جامعه نمی‌توانند از کنار آنها بساده‌گی بگذرند. موضوعات مهم دیگری هم هستند که تأکید بر آنها در بیانیه‌های محافل و جمعهای کارگری نشان از آگاهی طبقاتی آنهاست. مثل حمایت از کارگران و پناهندگان افغانستانی در ایران. تأکید بر همبستگی بین المللی. خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط

زندانیان سیاسی و از جمله حمایت و خواست فوری آزادی رضا شهابی، شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، رسول بداعی و غیره که اتفاقاً بخاطر دفاع از منافع کارگران زیر آخيه هستند. خواست آزادی بیان و غیره از دیگر مطالباتی هستند که ربط مستقیم به کارگران دارند. مسئله یارانه‌ها که ربط مستقیم به فقیرتر شدن خانواده‌های کارگری دارد هم از موضوعاتی است که می‌تواند در بیانیه‌ها گنجانده شوند. می‌خواهم بگویم که کارگران بعنوان رهبران جنبش اعتراضی بر علیه این موقعیت، بعنوان رهبران و صاحبان جامعه باید نبض جامعه را در دست داشته باشند و به مطالبات آزادیخواهانه آنها بی‌تفاوت نمانند.

**ایسکرا:** برای تدارک روز جهانی کارگر کدام اقدامات محوری و کارساز هستند.

**نسان نودینیان:** بخشهای زیادی از فعالین جنبش کارگری بر این واقعیت تأکید دارند که سال گذشته (۹۲) سال اعتراض کارگران در چند عرصه برجسته از جمله برای افزایش دستمزد، علیه بیکاری و برای تحقق حقوق و دستمزدهای پرداخت نشده، بود. این روند و این اعتراضات در سال ۹۳ ادامه دارد. در سال ۹۲ کارگران به موفقیت‌های قابل توجهی رسیدند. بویژه در عرصه دریافت حقوق و دستمزدهای پرداخت نشده. و پیگیری اعتراض علیه دستمزدهای مصوب شورای عالی کار. این اعتراضات بخشهای زیادی از کارگران را بهم نزدیک کرد. روحیه همبستگی و کار و فعالیت مشترک را تقویت و در عین حال اعتماد به هم و کار مشترک را بالا برد. موقعیت ایجاد شده یعنی؛ "اعتماد و باور به اعتراض همبسته" فاکتور مهمی برای تدارک روز جهانی کارگر است. جمع شدن و دعوت از کارگران در محل کار و تولید، همسایه‌ها و کسانیکه با آنها شب نشینی و نشست و برخاست داریم، برای با شکوه کردن و توده‌ای کردن مراسمهای اول ماه مه از ملزومات تدارک این روز است. بیان این حقایق و اصرار برای جمع کردن روابط پیرامونی امری روتین و احتمالاً برای تعداد زیادی از فعالین کارگر و

کسانیکه در فکر تدارک روز کارگر هستند، از بدیهیات پایه‌ای است. اما باید اذعان کنیم که با توجه به مشقات زندگی و اینکه گرفتاری و مصیبت‌های زندگی از فشار مالی گرفته تا خستگی کارهای دو و سه شیفتی و از طرف دیگری ناباوری و اینکه در روز اول ماه مه که کاری از ما ساخته نیست و سنگی روی سنگ نگذاشته‌ایم، دلائل و بهانه‌هایی برای عدم شرکت در میان بخشی از کارگران و خانواده‌ها است، و وجود دارد. اینجا باید به کاری آرام و متین دست زد. تماس نزدیک و توضیحات کافی اهمیت مهمی دارند. برای ایندسته از کارگران باید روح و فلسفه اول ماه مه را بروشنی بیان کنیم. و برایشان از هم سرنوشتی با دیگر هم طبقه‌ای‌ها یمان و راه عملی‌هایی مان بگوییم، بر وجدان کارگریشان انگشت بگذاریم و همین گرفتاریهای روزانه و مشقات تأمین این زندگی سخت و بی‌رحم و مشکلاتی که گلوئی آنها را می‌فشارد انگیزه‌ای برای شرکت فعالتر و مصمم ترشان در کنار کارگران دیگر خواهد شد.

دعوت به همسرنوشتی برای کارگران بدور از خط و مرز گرایشات و وابستگی و دلمشغولی‌هایی است که طبیعتاً در میان محافل کارگری وجود دارد، انجام شود. این همسرنوشتی طبقاتی است و برای امری طبقاتی که قدرت و نیروی طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه را به نمایش می‌گذارد ضروری است. کسی از آحاد و شهروند جامعه در سطح طبقه و اقشار اجتماعی در شهرها نیست که با اول ماه مه و روزکارگر آشنا نباشد. روز کارگر همچنانکه روز جهانی زن روزهای شناخته شده و محبوبی هستند. دولت، کارفرما و بورژواها در روز کارگر ضمن گرفتار شدن به درد شدید و ترس از متحد و همبسته شدن کارگران تلاش میکنند با «مراسمهای» فرمایشی روز کارگر را سمبل کنند، و با اینکار اندکی از درد و ترس خود را برای جلوگیری از متحد شدن کارگران و به منظور کم کردن رادیکالیسم طبقاتی مطالبات و خواستهای روز جهانی کارگر، بکاهند. بورژواها و دولت از همسرنوشتی طبقه کارگر و روزی که این همسرنوشتی به نیروی مادی به تجمعات مختلف و به روز

کیفرخواست و مطالبات مزدبگیران جامعه تبدیل شود، می‌ترسند. ترس آنها واقعی است. همچنانکه اگر هم سرنوشتی و اتحاد طبقه کارگر در روز جهانی کارگران و در مراکز کار و تولید و در شکل مجمع عمومی و تجمعات و اعتصابات کارگری به واقعیت مادی تبدیل شود، سرنوشت و رابطه کار مزدی و افق اجتماعی جامعه و زندگی میلیونها انسان دگرگون میشود. تأکید بر ایجاد همسرنوشتی و ایجاد يك صف متحد و همبسته برای برگزاری اول ماه مه از مهمترین کاری است که از همین الان باید بفرکش بود. دعوت و مطلع کردن و یا عبارات امروزی تر پوشش خبری مراسمهای اول ماه مه در تشویق و آامن و شرکت کارگران و دوستان موثر است. مکانیسم ارتباطات زنده از همه ابزارها موثرتر است. باید برای ایجاد و تحکیم و راه‌های رسیدن به همسرنوشتی طبقاتی در اول ماه مه از رابطه زنده و فعال استفاده کرد. اگر این تجربه را بخوبی آزمایش و با موفقیت تعداد زیادی از کارگران و خانواده‌هایشان را برای مراسم روز کارگر بسیج کرده باشیم و از بابت شرکت وسیع مطمئن شویم، وقت اینکده چطور توطئه و بازی‌های «مراسمهای» خانه کارگر و دولت و البته اخیراً هم جریان‌ات اصلاح طلب حکومتی از جمله سبزها را خنثی کنید، میرسد. مهم این است که خشت اول که همان بسیج و ایجاد صف قدرتمند توده‌ای و روحیه همسرنوشتی را ایجاد کرده باشیم. در دنیا مجازی امروز توجه به این نوع از کار و بسیج کارگران و خانواده‌هایشان متأسفانه کم‌رنگ شده. فضای گرمیادداشت اول ماه مه همه جا در سایتها، فیس بوک و تویتر و کلا در فعالیت مجازی بسیار بالا و برجسته است. این نقطه قوت است. فعالیت مجازی و پمپاژ ایده‌های خوب و دلسوزی برای کارگران و اول ماه مه کافی نیست. هنوز به ابزاری برای بسیج توده‌ای کارگران در ایران تبدیل نشده است. فعالین کارگری و کسانیکه در فکر برگزاری روز اول ماه مه و بفکر تحکیم و قدرتمند کردن هم سرنوشتی کارگران هستند، فعالیت تبلیغی حضوری، و احساس نزدیکی و اعتماد به کار مشترک ضروری است. سنت روز جهانی

کارگر بر پایه همسرنوشتی جهانی طبقه کارگر و هم سرنوشتی کارگران برای نمایش و مارش و اعلام کیفرخواست و مطالبات فوری و سیاسی پایه ریزی شده است. اگر هم سرنوشتی و جمع کردن کارگران کم رنگ و به هر درجه تحت هر شرایطی صرفا به آکسیون و تجمعات کم قدرت و ضعیف تبدیل شود، یک اول ماه مه هم سرنوشت ساز را از دست داده ایم.

**ایسکرا:** بسته و گریخته اخباری منتشر میشود که گویا حزب اسلامی کار گفته است اجازه داده شود که مراسم روز جهانی کارگر برگزار شود. با توجه به اینکه حدود ده سال است هیچ گونه مجوزی از سوی دولت برای برگزاری این روز داده نشده است، آیا این امکان هست که اجازه برگزاری روز جهانی کارگر از سوی دولت داده شود؟

**عبدل گلبریان:** حزب اسلامی کار یا شورای اسلامی کار و هر نهاد دولتی دیگر که رژیم آن را طی این سالها برای خود در رابطه با مسایل کارگری ایجاد کرده است، در طول دوران حاکمیت جمهوری اسلامی نهادها و ابزارهایی در خدمت دولت و برای عقیم گذاشتن هر گونه صدای اعتراضی و حق طلبانه کارگر بوده است. مثلا در سال ۸۳ از سوی خانه کارگر رژیم اسلامی برگزاری روز جهانی کارگر با مجوز دولت برگزار شد اما تشکلهای فعالین کارگری و توده وسیعی از کارگران در تهران و دیگر شهرستانها از این موقعیت استفاده کردند و پرچم خواست و مطالبات مستقل خود از دولت را بالا بردند.

در شرایطی که یک رژیم به تمام معنا ضد کارگر در ایران حکم می راند و زندگی اش زیر خط نیستی قرار گرفته، معلوم است که چنین سیستم بغایت خشنی مانع از حضور گسترده توده کارگر برای بلند کردن صدای حق خواهی اش در روز جهانی کارگر و یا در هر اعتراض و تجمعی برای گرفتن حق و حقوقش می شود. بنظر من زمنه های حزب اسلامی کار که پیشتر از سوی خانه کارگر که آبرو باختگی اش بعنوان یک نهاد دولتی برای همه آحاد کارگران برملا شده و امروز با نام حزب اسلامی کار می کوشد این آبرو باختگی را جبران

کند ناشی از فضای پر جوش و خروش و اعتراض کارگری و دیگر اعتراضات اجتماعی مردم در سطح کل جامعه است.

حتی اگر رسماً دولت به نهادهای زیر مجموعه خود مجوز برگزاری روز جهانی کارگر را بدهد چنین اقدامی را باید از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. یکم اینکه تن دادن به صدور چنین مجوزی قبل از هر چیز ناشی از فضای اعتراض عمومی کل جامعه و در راس آن جنبش کارگری علیه وضع موجود است. این فضا و این تحریک اعتراضی را حاکمیت بخوبی بو کشیده است. نکته دیگر و در همین رابطه این است که دولت و کل حاکمیت با بو کشیدن این فضای اعتراضی و تشخیص دادن اینکه بر بستر چنین اوضاع فلاکتباری که برای کل جامعه بوجود آورده اند، احتمال این هست که کارگران و تشکلهایشان و دیگر بخشهای مختلف مردم برای بلند کردن صدای حق خواهی شان در روز جهانی کارگر در سطح وسیع و گسترده ای به میدان بیایند. از این روممکن است دولت از طریق نهادهای ضد کارگری اش صدور مجوز را راهکاری برای کنترل بر اوضاع در دستور قرار دهد و تلاش کنند فضا را در دست خود بگیرند و مانع از برگزاری مراسمهای مستقل کارگران و تشکلهایشان بشوند.

در نتیجه من فکر میکنم در صورت دادن مجوز برای برگزاری روز جهانی کارگر از سوی دولت، کارگران و تشکلهایشان با فراخوان به توده وسیعی از مزدبگیران در جامعه می توانند برگزاری روز جهانی کارگر را مستقل از برنامه های دولتی و با طرح خواست و مطالبات خود برگزار کنند، به خیابانها بیایند و این روز را به روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر و کل جامعه علیه دولت و سرمایه داری تبدل کنند.

در غیر اینصورت همانطوریکه پیشتر اشاره کردم فضای اعتراض اجتماعی و اعتراضات هر روزه کارگری این امکان را فراهم کرده است که توده وسیعی از کارگران با دعوت از بخشهای مختلف جامعه روز جهانی کارگر را با برافراشتن پرچم مطالبات برحق خود برگزار کنند. فضای اعتراضی کل جامعه به ما می گوید که می توان در روز

جهانی کارگر قدرتمند تر از سالهای قبل به میدان آمد.

### بخش سوم

**ایسکرا:** طی چند سال اخیر تشکلهای متعددی مستقل از دولت و در جهت دستیابی به خواست و مطالبات بخشهای مختلف کارگری ایجاد شده و علیرغم اینکه دولت این تشکلهای را برسمیت نمی شناسد اما فعالین کارگری که در این تشکلهای فعالند لحظه ای از تلاش برای احقاق حقوق کارگران دست برنداشته اند. بنظر شما آیا نمی شود که فعالین درگیر و دخیل در این تشکلهای بجای فراخوانهای جداگانه بطور یکدست و متحد به استقبال روز جهانی کارگر بروند؟ چه توصیه ها و تأکیدیاتی در این زمینه دارید؟

**نسان نودینیان:** ابتدا به شرایط اجتماعی و موقعیت کارگران میپردازم. به این دلیل به نظر من فعالین کارگری این موقعیت را ابتدا به رسمیت بشناسند و سپس تصمیمات خود را برای برگزاری جشن و مارش روز جهانی کارگر بگیرند. از یازده اردیبهشت سال ۹۲ تاکنون وضعیت معیشتی و زندگی و رفاه و دستمزد و روحیات کارگران تغییرات اساسی کرده. سال ۹۲ بسیار سخت و پر تلاطمی بود. تلاش برای ادامه زندگی و تحمل فقر بی شائبه از یک طرف و اعتراض و به چالش کشیدن دولت و کارفرماها برای افزایش دستمزدها، سد کردن بیکار سازی و گرفتن حقوق و دستمزدهای پرداخت نشده کار و فعالیت روتین آنها بوده است. و اینکه سال ۹۲ سال دستگیری و فشار و تحت کنترل قرار دادن فعالین کارگری بود. در دل اوضاع پر التهاب و پراز نارضایتی، درجه ای از اتحاد و همکاری بر متن ضرورت اجتماعی کنونی، شکل گرفت. ما در سال گذشته دیدیم که فعالین کارگری در کمپینهای دفاع از کارگران دستگیر شده هماهنگ و متحد برای آزادی کارگران زندانی به اعتراض پرداختند. در حمایت و تقویت اعتصاب کارگران فولاد قروه ما شاهد این هماهنگی ها و همکاری ها بودیم. اوضاع پر تلاطم کنونی و عرصه های رو در روی کارگران با دولت در عرصه افزایش

دستمزدها و حذف یارانه ها اهمیت نزدیکی و اتحاد را بیش از هر دوره ای بیشتر کرده است. اینجا این نکته را اضافه کنم که در درون کارگران گرایشهای مختلف و بوچون های متفاوتی در برخورد به همکاری نیروهای فعال کارگران، تشکل و سازمانیابی ابراز وجود کارگران، وجود دارد. این اختلافات واقعی هستند. اما نباید مانع همکاری های موثر برای برپایی با شکوه جشن و مراسم روز جهانی کارگر، شوند. ضرورت نزدیکی و همکاری بر متن اوضاع پرتلاطم و اعتراض توده ای مردم در جامعه و در میان کارگران پیش کشیده شده و از هر دوره ای از مبرمیت بیشتری برخوردار است. به نظر من فعالین و کارگرانی که در تدارک روز کارگر هستند باید با متانت، و گذشت و ترانس بالایی برای نزدیکی و در کنار هم قرار دادن کارگران تلاش کنند. اطلاعاتیه های مشترک و جلسات مشترک داشته باشند. هدف برپایی با شکوه روز جهانی کارگر باید باشد. هدف باید این باشد که امسال که سال رو در رویی های بیشتر کارگران و توده میلیونی جامعه با دولت است، صف متحد و همبسته ای ایجاد شود. ما هر سال با سپری کردن روز کارگر شاهد ارزیابی هایی در مورد روز کارگر هستیم. در این ارزیابی ها نکته تکراری و تجربه منفی که مورد توافق بیشتر کارگران است، عدم همکاری های نزدیک و پراکنندگی مراسمهای روز کارگر بوده که به برپایی مراسم های با شکوه و ابراز وجود کارگران لطمه جدی زده است. امسال اگر با درایت بالایی در زمینه نزدیکی های بیشتر و اطلاعاتیه و مراسم های مشترک پافشاری کنیم یک گام مهم این موانع را پشت سر گذاشته ایم.

**ایسکرا:** تنها در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی است که سالهاست ما شاهد زندانی شدن تعداد زیادی از فعالین کارگری در زندانها هستیم. در آستانه روز جهانی کارگر چگونه می توان برای آزادی این کارگران اقدامات موثر و کارساز صورت داد؟

**ناصر اصغری:** گفتن نکته ای در همین خصوص اهمیت دارد که ما

در ایران با قوانینی مواجه هستیم که در دنیای امروزی کمتر به چشم می خورند. مثلاً فعالین کارگری را بخاطر شرکت در مراسم اول ماه مه دستگیر کرده و شلاقشان می زنند! باور کردن این حقیقت توسط کسی که در ایران زیر سلطه رژیم اسلامی زندگی نکرده سخت است.

اما چه اقدامات مؤثری برای آزادی فعالین کارگری در بند می شود کرد؟ شاهرخ زمانی اکنون حدود ۴۰ روز است که در اعتصاب غذا به سر می برد و چند ده کیلو وزن کم کرده. رضا شهبانی در حال فلج شدن است و علیرغم توصیه های پرسنل درمانگاه زندان اجازه معالجه و مرخصی استعلاجی به او داده نمی شود. فرزند بهنام ابراهیم زاده سرطان دارد و پزشکان توصیه کرده اند که برای بهبودش بهنام باید در کنارش باشد، اما رژیم اسلامی تماما به این مسئله بی اعتنائی کرده است. خود بهنام بخاطر شکنجه های شدیدی که دیده از سر درد شدید رنج می برد. محمد جراحی از سرطان رنج می برد و باید به بیرون از زندان انتقال یابد و تحت مداوا باشد. اینها فقط نمونه هایی هستند که هم اکنون فعالین کارگری در بند با آنها درگیرند.

من قبلاً هم گفته ام که یکی از مطالبات اصلی جنبش کارگری ایران باید آزادی فوری و بدون قید و شرط این فعالین کارگری باشد. باید آزادی بی قید و شرط آزادی بیان و تشکل باشد که دیگر هیچ فعالی از جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی مورد تعرض و دست درازی قرار نگیرند. فعالین کارگری در همه مراکز کارگری به دفاع از این کارگران اعتراض سازمان بدهند. اینها نکاتی است که جنبش کارگری در ایران می تواند در دستور بگذارد.

در خارج از ایران به نظر من می توان بسیار قوی تر در این مورد ظاهر شد و اقدامات بیشتری را در دستور گذاشت. وقتی که موضع و موقعیت فعالین کارگری در ایران و فعالین هم اکنون در بند و زندانی را برای اتحادیه های کارگری و افکار عمومی در کشورهای غربی بازگو می کنیم، می بینیم که احساس همدردی هست و حتی می خواهند بدانند که چه کمکی از دست آنها ساخته است. با یکی از فعالین

سرشناس جنبش کارگری در آمریکا تماس گرفت و وضعیت شاخه را برایش گفت که باید کاری کرد. چند لینک انگلیسی هم در اینترنت پیدا کردم و برای اطلاع فرستادم که سریع جواب داد یکی از لینکها طوماری بوده که امضا کرده بود و پرسیده که چکار دیگری از شما ساخته است. من هم نکات خود را بهش گفتم. گفت که نامه ای اعتراضی بنویسد و از طریق روابطی که دارد هم آن را به امضا دیگر فعالین کارگری برساند و هم نظر کل فعالین جنبش کارگری آمریکا را به این مسئله جلب کند. گامهای بعدی را نمی دانم چه خواهند بود، اما این را می دانم که این موضوع به یک کمپین قدرتمند مثل کمپینی که حزب کمونیست کارگری حول سرکوب اعتراض کارگران نفت در دهه ۹۰ قرن گذشته (از اواخر دسامبر ۱۹۹۶ تا اوایل آوریل ۹۷) نیاز دارد. به یک کمپین مثل کمپین آزادی محمود صالحی نیاز دارد. اینها بهرحال کمپینهایی بودند که کل دنیا را بر علیه جمهوری اسلامی بسیج کردند. این شدنی است؛ چرا که همچنانکه گفتیم در موارد مختلفی، از جمله در مورد کارگران نفت و آزادی محمود صالحی انجام داده ایم.

**ایسکرا:** در دو هفته ای که به روز جهانی کارگر باقی است چه اقدامات عاجلی را می توان رو به فعالین کارگری، فعالین عرصه های مختلف اجتماعی و کلا سازماندهندگان این روز تاکید کرد؟

**عبد گلپریان:** فعالین و تشکلهای کارگری تجارب زیادی در زمینه سازمان دادن این روز دارند. سالهای قبل و از چند روز قبل از روز جهانی کارگر فضای مختص به این روز را در میان کارگران و بخشهای مختلف مردم ایجاد می کردند. فعالین عرصه های مختلف اجتماعی نیز همین نقش را ایفا کرده اند. این را نباید فراموش کرد که روز جهانی کارگر تنها روز کارگران نیست. برخلاف درکی که کارگر را فقط در زیر سقف کارخانه می بیند در جایی مثل ایران اگر نگاه کنید ۹۰ درصد مردم آن کشور نیروی کارکن و مزدبگیر هستند. در نتیجه این روز مال اکثریت عظیم نیروی

کارکن آن جامعه است. فعالین کارگری و فعالین جنبشهای اجتماعی دیگر می توانند امر سازماندهی در روز جهانی کارگر را به بهترین وجه ممکن در دستور کار خود قرار دهند.

بنا به خبرهایی که بگوش می رسد کارگران و مردم از شرکت وسیع خود در مقابل نهادهای رژیم برای برافراشتن پرچم خواست و مطالباتشان حرف می زنند. فضای عمومی از حضور گسترده در میادین و خیابانها حکایت دارد. این فضا و این موج تعرضی در میان کارگران و کل مردم را باید به بهترین نحو ممکن سازمان داد. فعالین کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی در همه شهرها در مقابل سازماندهی آنان در روز جهانی کارگر نقش مهم و تعیین کننده ای بر عهده دارند.

نقش فعالین در چنین روزی و بر بستر موج تنفر و اعتراض عمومی مردم است که می تواند خود را بنمایش بگذارد. از هم اکنون سازماندهی امر شعار نویسی بر دیوارها در هر کوی و برزنی، همفکری و مشورت برای محل یا محلهایی که جمعیت می تواند در آن مکانها برگزار شود، ارتباط مابین فعالین در محلات و در هماهنگی با برگزارکنندگان و سازماندهندگان روز جهانی کارگر، پخش آگهی، اطلاعیه برای خبر رسانی در سطح شهرها و دهها اقدام عملی و سازمانگرا دیگر از این نوع، وظیفه فعالین و سازماندهندگان روز جهانی کارگر است.

کارگران و فعالین کارگری می توانند ابتکارات زیادی بخرج دهند و از این امکان که اگر روز جهانی کارگر در یک یا چند مکان تجمع کردند، بر سر راه اندازی مجامع عمومی خود چه در این روز و چه در روزهای دیگر مثلاً تعیین یک روز مشخص در هفته تشکیل مجمع عمومی خود را تعریف کنند. مجمع عمومی برای کارگران امر ناشناخته ای نیست و در این رابطه تجارب زیادی دارند. تشکلهای فی الحال موجود کارگران ابتدا بر بستر شور و مشورت کارگران در مجمع عمومی هایشان پا گرفته است. از این روز این ساختار پایه ای ممکن ترین و در دسترس ترین شکل تجمع کارگران

است که در هر تجمع و مناسبتی می توانند بر بستر آن از خواستها و مطالباتشان، چگونگی تلاش و مبارزه برای دست یابی به آنها و همچنین تعیین نمایندگان کارگران، از آن بهره ببرند. اتحاد تشکلهای کارگری، اتحاد رهبران و فعالین کارگری فاکتور مهمی در سازماندهی برای این روز و هر روز اعتراضی دیگری است. مجدداً تاکید میکنم که فراخوان و دعوت از همه مردم برای شرکت در این روز بسیار مهم است. روز جهانی کارگر روز همه مردم است.

## بخش چهارم

**ایسکرا:** جمهوری اسلامی هر سال در آستانه روز جهانی کارگر و برای ایجاد فضای رعب و وحشت دست به اقدامات خشنی می زند. مثلاً از بازداشت و احضار فعالین کارگری گرفته تا دست زدن به اعدام فعالین سیاسی و اجتماعی در زندانها که قبلاً حکم اعدام گرفته اند. پیشتر در سنجند دو رهبر کارگری شیث امانی و مظفر صالح نیا را احضار و از آنها خواسته بودند که در مورد اجرای طرح سوسیدها نباید حرفی بزنند.

چرا جمهوری اسلامی سیاست امنیتی. پلیسی را پیشه خود کرده و اساساً در سایر کشورها سیاست دولت ها در ارتباط با روز کارگر چگونه است؟

**نسان نودینیان:** امنیتی کردن و فضای نظامی. پلیسی در آستانه روز جهانی کارگر توسط دولتهای سرکوبگر در ایران یا شیلی و ترکیه و ده ها کشور استبداد زده وجود دارد. روز جهانی کارگر روز صف آرای طبقات متخاصم و اصلی جامعه است. "در این پیکار سترگ، دو جهان چهره به چهره یک دیگر می ایستند: جهان سرمایه و جهان کار؛ جهان استثمار و بردگی، و جهان برادری و برابری" (ننین. اول ماه مه) صف کارگران با کیفرخواست طبقاتی و صف دولت و سرمایه داران با حمایت دستگاه سرکوب (پلیس، ارتش، دادگاه و قضا و زندان و دستگیری). "در یک سو، مشتی ثروتمند خون آشام قرار دارند. آن ها هستند که کارخانجات و مراکز تولیدی، ابزارها و ماشین

آلات را تصرف و میلیون ها جریب زمین و کوه هایی از پول را تحت مالکیت خصوصی خود درآورده اند. آن ها حکومت و ارتش را به خدمتگزاران، سگ های پاسبان باوفای ثروت انباشته خود مبدل کرده اند.

در سوی دیگر، میلیون ها نفر از محرومان جای دارند. کسانی که مجبورند به مشتی نوکیسه پولدار التماس کنند تا به آن ها اجازه کار کردن بدهند. با کار آن هاست که این افراد تمام ثروت ها را خلق می کنند؛ با این حال خودشان باید در تمام طول زندگی برای خرده ای نان مبارزه کنند" این قاعده همیشه وجود داشته و فقط و فقط تحت تاثیر تناسب قوای طبقاتی. توده ای کارگران و مزدبگیران جامعه یکی بر دیگری غلبه کرده است. تلاش دولت و بورژواها مهار کردن مطالبات کارگران در روز کارگر است. در کشورهای اروپایی مهار کاستن بار رادیکال شعار و مطالبات کارگران را اتحادیه های کارگری پیش میسبند. با وجود محدودیتهایی که اتحادیه کارگری ایجاد میکنند اما در مراکز تولیدی و کارخانه ها کارگران از اعمال قدرت برخوردار هستند و از کانال شوراهای کارخانه رابطه خود با کارفرماها و قراردادهای کار و دستمزد و ایمنی و امنیت شغلی و سلامتی و بیمه ها را نمایندگی میکنند. در اینجا وجود کارگر و تشکل و اعتراض و رژه و مارش کارگر و اعتصاب و تحصن حمایت میشود و تضمین شده است. معضل اصلی برای کارگران، مهار مطالبات رادیکال آنها توسط اتحادیه ها است. در ارتباط با موقعیت کارگران در ایران و البته کشورهای استبدادی رابطه کارگر با دولت و سرمایه داران، به لحاظ اقتصادی هم اکنون با تحمیل ریاضت کشی اقتصادی، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و در شکل سیاسی سرکوب و محدودیتهای اعتراضی خودنمایی میکنند.

در ایران هر اعتصاب و اعتراض کارگری به دلیل نوع حاکمیت نظام سیاسی است. اعتصاب علیه دستمزدهای پرداخت نشده سیاسی میشود، محیط و محل اعتراض کارگران نظامی. پلیسی میشوند. به همین دلیل رژه و مارش روز جهانی

کارگر هم سیاسی میشود. در قوانین موجود قانون کار روز کارگر در ردیف تعطیلات رسمی (و البته باید بارها به تکرار این دستاور توسط جنبش کارگری اشاره کرد که تعطیل اعلام کردن روز کارگر با فشار اعتراضات کارگری در سالهای ۱۳۶۰ ببعده با تحمیل به دولت «دولت دوره موسوی» برسمیت شناخته شد) است. روز کارگر تعطیل است. و کارگران میتوانند در این روز مارش و جشن و مراسمهای خود را برگزار کنند. اما از آنجا که ترس و واهمه بسیار زیادی از تجمع و مارش کارگران وجود دارد دولت و کارفرماها با همکاری تنگاتنگ "تشکلهای زرد" از جمله خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار مانع برگزاری مراسم مستقل و جشن کارگران و خانوادهایشان میشوند. اما، با وجود تمام محدودیتها در سی سال گذشته کارگران برای برگزاری جشن و مراسم و مارش روز کارگر تلاش های شمر شمر و مفیدی را بسرانجام رسانده اند. در شهرهای کردستان علیرغم فشارهای پلیسی مراسم های روز کارگر در اشکال متنوعی برگزار شده اند.

امنیتی کردن فضای شهرها در آستانه روز کارگر و ۸ مارس (روز جهانی زن) از طرف جمهوری اسلامی تاکتیکی آشنا برای مردم در جامعه است. به نظر من روشهای جمهوری اسلامی و امنیتی کردن فضای شهرها در عین حال ناکام شده است. امنیتی کردن شهرها و فضای بگیر و ببند آن تأثیراتی را که در دهه های ۶۰ و ۷۰ در مرعوب کردن جامعه و فضای ترس و رعب داشت، ندارد. در ایران تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی مبارزه عظیم کار علیه سرمایه، به بهای فداکاری های عظیم کارگران در جریان است. کارگران بهای حق برخورداری از یک زندگی بهتر و آزادی و تامين معیشت را با اعتراضات مداوم و زندان و دستگیری، پرداخته اند. شاخه زمانی و ده ها نفر از کارگران در بند که در راه آرمان طبقه کارگر مبارزه می کنند، مورد اذیت و آزارهای بیشمار جمهوری اسلامی قرار می گیرند. مقاومت و عدم تمکین به خواست های ضد کارگری را اینها با این روحیات بالا و تعرض



ناکام گذاشته اند و تسلیم نشده اند. مقاومت و ایستادگی شاهرخ زمانی و صدها کارگر معترض و انقلابی صفحه درخشانی را از اسم "مقاومت و ایستادگی" بجای "استیصال و تسلیم" در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران و منطقه را به ثبت رسانده است. من امیدوارم امسال با وجود این همه اعتراض و ایستادگی توسط کارگران ما در شهرهای کردستان شاهد مراسم ها با شکوه در روز جهانی کارگر باشیم. زنده باد جشن و گردهمایی کارگران و خانواده های هایشان، مارش و میتینگ های کارگران در ۱۱ اربهبهشت.

**ایسکرا:** کارگران خواستها و مطالبات زیادی برای طرح در روز جهانی کارگر دارند که در بخشهای قبلی این میزگرد به مهمترین آنها پرداختیم. اما هر سال شاهد طرح مطالبات اجتماعی بخشهای محروم جامعه در سطحی وسیعتر و در بیابانه ها و قطعنامه تشکلهای کارگری بوده ایم که جنبش کارگری و تشکلهایش بدرست بعنوان صاحب جامعه و در دفاع از این خواستها ظاهر شده اند. شما اگر بخواهید بر این خواستهای عمومی و اجتماعی مردم تاکید مجددی داشته باشید این مطالبات را چگونه بر می شمارید؟

**ناصر اصغری:** همانطور که در جواب به سوالات پیشین هم گفتم، تعدادی از مطالبات مطالبات همیشگی کارگران بوده و تا بحال بیجواب هم مانده اند که کارگران حتما باید آنها را باز هم مطالبه کنند. مثل افزایش دستمزدها طوری که یک زندگی انسانی را تأمین کند. بیمه بیکاری مکفی، امنیت شغلی، آزادی تشکلهای مستقل کارگری و غیره. اما مطالباتی هستند که بقول شما مطالبات کل جامعه هستند و کارگران هم بعنوان رهبران و صاحبان این جامعه باید آنها را در روز جهانی کارگر مطالبه کنند. مثل آزادی بیان، آزادی پوشش، دفاع از محیط زیست، برابری کامل زنان و مردان، لغو حکم ضدانسانی اعدام، دفاع از کرامت انسانی سالمندان و کودکان، دفاع از حق آزادی و برابری کامل

برای پناهندگانی که در ایران زندگی می کنند، نخواستن ماجراجوییهای جنگی مثل تروریسم اسلامی و هسته ای که تحریم ها را به دنبال داشته، جدائی دین از دولت، اخراج پاسداران و آخوندها و دیگر پادوهای رژیم از مدارس و دانشگاهها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، جدائی کامل دستگاه قضائی از دولت و آخوند جماعت. اینها صرفا نکاتی نیستند که وقتی ما در بیانیه هایمان می آوریم بعنوان نکات تزئینی و یا لوکس و به اصطلاح چپ نشان دادن خودمان این کار را می کنیم. خیر. وقتی که جامعه ای آزاد داشته باشیم اول از همه کارگران از آزادی بیشتری برخوردار خواهند بود. وقتی که بتوانیم آزادی بیان را به دولتی تحمیل کنیم، کارگران امکان آزادی اعتصاب و تشکل و بیان و غیره را می یابند. وقتی که سالمندان و بازنشستگان از یک زندگی انسانی شایسته برخوردار می شوند، کارگر بعنوان کسانی که آینده بازنشستگی در انتظارش است خیالش راحت می شود که اگر فردا سالمند و بازنشسته شد زندگی اش انسانی و تأمین خواهد بود. اگر آزادی پوشش در جامعه به رسمیت شناخته شد، کودکان مان فرصت می کنند شاد باشند و شاد بپوشند. وقتی که آخوند جماعت از مدارس گورشان را گم کنند، کودکان ما مجبور نیستند که ترهات مذهبی یاد بگیرند. برابری زن و مرد، یعنی برابری همه انسانها در زندگی و در برابر قانون و غیره. یعنی عدم دست درازی به جان و آزادی زنان که در ایران زن اصلا انسان بحساب نمی آید. دفاع از حقوق شهروندی پناهندگانی که در ایران زندگی می کنند، یعنی انسان صرف نظر از اینکه کجا بدنیا آمده، صرف انسان بودنش باید برابر باشد و از هرگونه تعرض به امنیت و شان انسانی اش در امان باشد. لغو حکم اعدام یعنی دفاع از جان انسان و گرفتن حربه ایجاد رعب و وحشت در جامعه از دولت.

اینها نکاتی هستند که کارگران عملا و هر جایی که فرصت کرده اند خواهان آن بوده اند. در برابر دست درازی دولت به آزادی و رفاه، به سرکوب کارگران و زندانیان سیاسی

مقاومت کرده اند. شما در چند سال گذشته هیچ بخشی از جامعه را نمی بینید که به اندازه جنبش کارگری و فعالان و نهادهای این جنبش از حقوق انسانی کودکان، زنان، سالمندان و کارگران افغانستانی دفاع کرده باشد. هیچ بخشی از جامعه را نمی بینید که در اعتراضش به اندازه اعتراضات کارگران خواهان عدم دست درازی رژیم به جان و مال و امنیت زنان، کودکان و کل جامعه بوده باشد. "انرژی هسته ای" نخواستن است. در برابر ماجراجویی جنگی رژیم، خواهان رسیدگی به رفاه کل جامعه بوده. در برابر کمک به تروریسم اسلامی در منطقه، خواهان رسیدگی به وضعیت جامعه بوده است. کارگران و رهبران کارگری امسال هم باید بعنوان رهبران کل جامعه و بعنوان آترناتیو این رژیم، مطالبات کل جامعه را مطرح کنند و جامعه را حول این مطالبات دور خود گرد آورند.

**ایسکرا:** فضای عمومی جامعه این تصویر را دارد منعکس می کند که امسال در روز جهانی کارگر مردم علی العموم توقع یک حرکت تعیین کننده را با حضور گسترده در خیابانها که بتواند نقطه عطفی در تحولات سیاسی جامعه رخ دهد را انتظار دارند. این توقع آیا بجا و درست است؟ در صورت عدم چنین تحولی آیا احساس نا امیدی در میان طیفهای مختلف از کارگر گرفته تا فعالین اجتماعی و مردم را در بر نخواهد داشت؟

**عبدل گلریان:** وجود این فضا و گسترش رو به فزونی خشم و نارضایتی عمومی مردم از اوضاع فلاکتباری که بهشان تحمیل شده است یک واقعیت است. جامعه تشنه رفاه، آزادی و برابری آنها در جهنمی که حکومت اسلامی سرمایه برای مردم بوجود آورده است، در فکر خلاصی از شر اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه است.

این خواست ۹۹ درصد کل مردم است و مدام به این فکر می کنند که در یک روز معین و به مناسب و

بهانه ای فرصتی فراهم گردد، وارد میدان شده و یکبار برای همیشه به این همه تباهی پایان دهند. التهاب و جوش و خروش مردم و امیدشان به اینکه در روز جهانی کارگر، کارگران و توده های میلیونی مردم به خیابانها بریزند و از این فرصت برای شروع کارزاری سیاسی اجتماعی استفاده لازم را بکنند، آرزوی قلبی آنان است. این توقع و این چشم انداز، آرمان و آرزوی کل جامعه است.

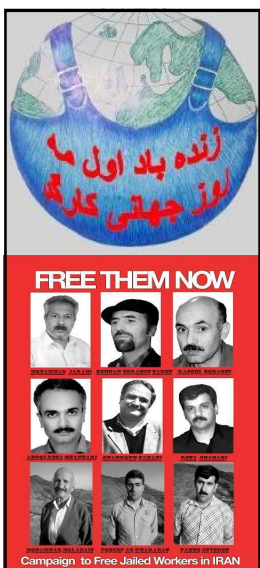
جامعه ایران شبیه دیک سر بسته پر از آبی است که درجه حرارت زیر این دیک آب به آخرین مرحله خود رسیده است و دیگر دارد به نقطه انفجار می رسد. در طول تاریخ مبارزات مردم علیه حکومتهای مستبد، استثمارگر و دیکتاتور نیز مردم با استفاده از فرصتها و سربرنگاهایی برای تعیین تکلیف با حکومت به میدان آمده اند. اگر فضای عمومی جامعه اینچنین به اوضاع می نگرد، شروع و سرآغاز چنین روزی می تواند روز جهانی کارگر، روز جهانی زن و یا تجمع و اعتراض مردم علیه اعدام و یا هر حرکت اعتراضی دیگری باشد و این آرزوی قلبی مردم است که در روز جهانی کارگر استارت آغاز سرنگونی این رژیم را بزنند.

منتها در صورت عدم چنین تحولی قرار نیست و نبوده که مردم احساس نا امیدی بکنند. برای وقوع یا عدم وقوع چنین تحولی، مبارزه فعالین و تشکلهای کارگری، فعالین و تشکلهای اجتماعی و اعتراض و مبارزه هر روزه مردم برای تحقق خواستها و مطالباتشان کماکان در جریان است و بصورت تعطیل ناپذیر ادامه دارد. فعالین و تشکلهای کارگری و دیگر فعالین عرصه های مختلف اجتماعی این تصور را ندارند که اگر اتفاق زیر رو کننده ای رخ نداد گویا تلاشهایشان بی ثمر بوده است خیر. تاریخ مبارزات و اعتراضات هر روزه بخشهای مختلف مردم نیز در طی این ۳۵ سال حاکمیت اسلامی نشان داده است که ذره ای از تلاش و اعتراض برای بهبود وضع زندگیشان کوتاه نخواهند آمد و این تلاشها و این مبارزات درست در جهت تقویت مبارزه برای تعیین تکلیف نهایی و

برای پایان دادن به اوضاع موجود است.

هیچ کسی این وعده را نداده است که اگر در روز جهانی کارگر تحول بنیادی و زیر و رو کننده ای رخ ندهد پس دیگر کاری نمی شود کرد. این درک و تصویری سطحی و مقطعی از روند اوضاع و شرایط مبارزه در کل جامعه است. مهمترین امری که امروز تشکلهای فعالین کارگری و اجتماعی می توانند در جهت تحقق اقدامات مهم و موثر در دستور خود قرار دهند این است که صفوف خود را متحد و متشکل سازند و با بسیج و سازماندهی گسترده توده ای و اجتماعی برای روز جهانی کارگر ظاهر شوند.

در سالهای قبل نیز تشکلهای فعالین کارگری برای حضور گسترده کارگران، خانواده های کارگری و کل مردم، و برای برافراشتن پرچم خواست و مطالبات خود و کل جامعه تمام تلاش خود را بکار گرفته اند. نهادها و ماموران حکومتی نیز تلاش کرده اند مانع از تجمعات و مراسمهای روز جهانی کارگر شوند اما همین تشکلهای فعالین کارگری، پر قدرت تر از هر زمانی به تلاش و مبارزه خود برای تحقق خواستها و مطالباتشان به میدان آمده اند. در یک جمله بگویم اگر قرار است تحرکی بنیادی را ایجاد کرد باید در فکر بسیج و سازماندهی گسترده، اجتماعی و توده ای برای روز جهانی کارگر بود. از این سر است که می توان به پیشرویهایی بزرگ دست یافت.\*



**سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**